

مطبوعات و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

● جعفر خوشروزاده*

چکیده

امروزه امنیت ملی به عنوان یکی از عمده‌ترین اولویت‌های فراروی دولت - ملت‌ها مطرح بوده و بالا بردن ضریب آن از طریق شناسایی و رفع تهدیدهای موجود یکی از دغدغه‌های نخبگان و حاکمان سیاسی در جوامع مختلف به شمار می‌رود. عوامل تهدیدزا علیه امنیت ملی کشورها را می‌توان در طیف وسیعی از عوامل و تهدیدهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری دسته‌بندی و تجزیه و تحلیل کرد. در میان عواملی که به روش نرم‌افزارانه بر امنیت ملی تأثیر می‌گذارد عملکرد رسانه‌ها به‌طور اعم، و مطبوعات به‌طور اخص از برجستگی خاصی برخوردار است. مفروض اصلی در این بحث این است که مطبوعات و عملکرد آنها می‌تواند بر ضریب امنیت ملی هم تأثیر مثبت و ایجابی، و هم تأثیر منفی و سلبی داشته باشد. اما نکته‌ی اساسی این است که تأثیر مطبوعات به عنوان یک متغیر مستقل بر امنیت ملی به عنوان یک متغیر وابسته در نحوه تعامل آنها با متغیرهای واسطه‌ای چون آزادی مطبوعات، قانونگرایی، وحدت ملی، و توجه به رسالت واقعی مطبوعات بروز و ظهور می‌یابد. هدف این مقاله بررسی و تحلیل این متغیرها و نحوه‌ی تعامل آنها با یکدیگر است.

سخن گفتن درباره‌ی تأثیر مطبوعات بر امنیت ملی در نظام جمهوری اسلامی ایران، و در قالب ادبیات مربوط به انقلاب اسلامی، زمانی ضرورت و اهمیت می‌یابد که مفروض‌هایی را در این خصوص بپذیریم. یکی از عمده‌ترین این مفروض‌ها، این است که بی‌تردید ایجاد و تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران براساس آموزه‌های مترقی دین اسلام، بزرگترین، ملموس‌ترین و عینی‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی به حساب می‌آید. بنابراین تحقق، حفظ و استمرار آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی در گرو میزان موفقیت و به تعبیری بهتر ضریب مقبولیت، کارآمدی، امنیت و ثبات نظام جمهوری اسلامی ایران است. با این مقدمه می‌توان مدعی شد که ضریب امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، به شکل غیرقابل انکاری با تحقق آرمان‌ها و ارزش‌های متعالی انقلاب اسلامی مرتبط بوده است و چالش‌ها و تهدیدهای فراوی انقلاب اسلامی نیز، همان تهدیدهای فراوی نظام جمهوری اسلامی، به عنوان الگوی تجسم یافته انقلاب اسلامی است.

جست‌وجوی امنیت یکی از مهمترین کنش‌ها و انگیزه‌های انسانی است. این کنش با جوهر هستی انسان، پیوندی ناگسستنی دارد. چرا که حفظ ذات و صیانت نفس همواره از اساسی‌ترین میل‌های انسان بوده و هست، علاوه براین، انسان‌ها در پی برآوردن نیازهای زیستی با یکدیگر، و نزد مناسبات گوناگون می‌شوند و تشکیل جامعه می‌دهند. مهمترین نیاز هر جامعه، خواه یک طایفه یا قبیله و چه یک قوم یا کشور باشد؛ تأمین امنیت جامعه و افراد آن است. از دیدگاه اسلام امنیت یکی از اصول زندگی فردی و جمعی، زمینه‌ساز بهره‌وری از مزایا و مواهب حیات و تکامل بشر و یکی از مقدس‌ترین آرمان‌هاست؛ تا جایی که «ایمان یعنی باور همراه با عمل که برای انسان امنیت به ارمغان می‌آورد در قرآن و نصوص اسلامی به عنوان مقدس‌ترین سرمایه انسانی شمرده شده است»^۱

علاوه بر این در قرآن کریم شهری که از امنیت برخوردار است به عنوان الگوی سرزمین ایده‌آل آمده است.^۲ و اما درباره مفهوم امنیت تعاریف مختلفی ارائه شده است، که طبق جامع‌ترین این تعاریف، امنیت عبارت از توانایی برای رفع تهدیدات خارجی علیه حیات سیاسی و یا منافع ملی خود است که از جنبه مختلف تأکید شده است.^۳ در تعریف

۱۹۶ امنیت سطوح مختلفی مدنظر قرار می‌گیرد که از امنیت فردی شروع شده تا به امنیت

ملی می‌انجامد. امنیت ملی اصطلاحی است که دو واژه «امنیت» اسم معنی و «ملی» به عنوان صفت تشکیل شده است. امنیت ملی را به شکل‌های مختلفی تعریف کرده‌اند. برخی از نویسندگان، امنیت ملی را به معنی نبودن تهدید نظامی کشورها دانسته‌اند، برای تعریف آن بر محافظت از کشور در برابر حمله نظامی یا اقدامات واژگون‌سازی از ناحیه‌ی خارج تأکید می‌کنند. یکی از تعریف‌های موجود برای این مفهوم، تعریف کلاسیک واژه امنیت است؛ بنابراین تعریف «امنیت ملی عبارت است از توانایی کشور در دفع تهدیدهای خارجی علیه حیات سیاسی یا منافع ملی خود» در این نوع تعریف‌ها، بر جنبه‌ی نظامی امنیت تأکید شده است. کوشش دولت‌ها برای افزایش قدرت نظامی و تسلیحاتی نیز معطوف به همین معنا از امنیت است. براساس این رویکرد:

بالا بردن توان نظامی موجب می‌شود که تهدیدهای خارجی نتوانند کشور را از پی گرفتن منظور خود که همانا حفظ حیات و پیشبرد منافع ملی است، بازدارد. تعریف‌های کلاسیک امنیت ملی تقریباً همه بر بُعد نظامی امنیت تأکید داشته‌اند. در شکل‌گیری این تعاریف، همواره فرض بر وجود وضعیت تنازع و برخورد میان کشورها بوده است؛ اما امروزه دیگر همچون قرون گذشته امنیت ملی صرفاً به معنی داشتن آمادگی نظامی و استراتژی‌های جنگی نیست. بدین ترتیب، با تحولی که در مفهوم قدرت و منافع ملی پدید آمده است امروزه دیگر قدرت دولت منحصراً شامل قدرت نظامی نیست و بی‌تردید، این تحولات بر مفهوم امنیت ملی تأثیرات شگرفی داشته و آن را همچون مفاهیم منافع ملی و قدرت ملی دستخوش تغییر کرده است. بنابراین لازم است که امروز برای مفهوم امنیت ملی، تعریف جامع‌تری ارائه گردد. بسیاری از نویسندگان و محققان وقتی از امنیت ملی سخن می‌گویند، منظورشان توانایی یک کشور در حفظ ارزش‌های خودی در برابر تهدیدهای خارجی است. این تعریف در کلیت خود درست است اما، با توجه به آنچه در مورد نقش مسائل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و بین‌المللی بیان شد، می‌توان آن را به این شکل تکمیل کرد: «امنیت ملی به معنی دستیابی به شرایطی است که به هر کشوری امکان آن را می‌دهد تا از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بیگانه در امان باشد و در راه پیشبرد توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی و تأمین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه فارغ از مداخله بیگانه گام بردارد»^۴

همان‌طور که ملاحظه می‌شود امنیت ملی یک مفهوم چندوجهی و پیچیده است و به ۱۹۷

همین جهت درباره معنای آن اختلاف نظرهای فراوانی وجود دارد. در تعریف‌های مندرج در فرهنگ‌های لغت درباره مفهوم کلی امنیت ملی، بر روی «احساس آزادی از ترس» یا «احساس ایمنی» - که ناظر بر امنیت مادی و روانی است - تأکید دارد. برای مثال، «ولفرز»، امنیت ملی را به شکل عینی به معنی «فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های «حاصل شده» و به‌طور ذهنی به مفهوم «فقدان ترس از حمله به این گونه ارزش‌ها» می‌داند. بنابراین می‌توان گفت: «امنیت ملی شامل کسب ایمنی روانی و مادی است و اصولاً جزوی از مسئولیت‌های حکومت‌های ملی است، تا از تهدیدات مستقیم خارجی نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورد.»^۵

گرچه این تعاریف، مسائل گسترده‌ای را دربر می‌گیرد، اما کم و بیش منطبق با برداشت‌های غربی از مفهوم امنیت است و هر کشوری با توجه به شرایط خود برداشت‌های خاص خود را از امنیت ملی خواهد داشت. تلاش برای تأمین امنیت ملی و یا گسترش دامنه آن یکی از مهمترین هدف‌های کشورهای در عرصه روابط بین‌المللی است. کوشش برای بالا بردن ضریب امنیت ملی، از مهمترین نگرانی‌های دولت‌ها و نیز از پایه‌های اساسی سیاست خارجی آنهاست. در واقع امنیت در زمره اهداف و منافع و ارزش‌های اصولی و پایدار جامعه است و در مفهوم ملی با هدف‌های ملی، حاکمیت ملی و استقلال، رابطه تنگاتنگ و لازم و ملزوم دارد. در همین چارچوب است که می‌گوییم امنیت یک عنصر تجزیه‌ناپذیر است. به عبارت دیگر، هرگاه کشوری در گوشه‌ای از سرزمین خود فاقد امنیت است، این وضعیت در تمام شئون و ارکان دیگر کشور تأثیر می‌گذارد.^۶

درباره مزایای امنیت ملی باید گفت: «بدون امنیت، هیچ برنامه‌ای در داخل کشورها قابل اجرا نیست، پیشرفت اقتصادی از نظر سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی برای توسعه و فعالیت‌های مشابه، در گرو تأمین امنیت ملی است. با این تعابیر امنیت ملی مفهومی فراتر از بقا و صیانت ذات کشور است، به عبارت دیگر، ممکن است در یک زمان، تمامیت ارضی و استقلال و حاکمیت یک کشور محفوظ باشد، لکن وجود تهدیدات جدی زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن کشور رادستخوش آشوب و هراس و سردرگمی

با توجه به سیر زمان، هدف‌های امنیت ملی و ابعاد آن نیز دستخوش تغییر و تحول گردید. و در زمان ما نیز ابعاد تازه‌ای بر ابعاد پیشین آن - که معمولاً نظامی بود - افزوده شده است. چنین تحولی طبعاً مفهوم امنیت ملی را نیز دچار تغییر و تحول می‌کند. دولت‌ها برحسب مقام و موقعیتی که در عرصه مناسبات بین‌المللی دارند و نیز براساس مبانی بینشی و ارزشی خود تلقی‌های متفاوتی از مفهوم امنیت ملی دارند. در وهله نخست چنین به نظر می‌رسد که منظور از امنیت ملی، نگهداری مرزهای کشور در برابر تهدیدهای بالقوه و بالفعل نظامی است؛ اما در حقیقت چنین نیست؛ حفظ مرزهای کشور در برابر تهدید نظامی، تنها یکی از اجزای امنیت ملی است.

اما بُعد جدیدی از امنیت ملی که امروزه حاصل دگرگونی در نظام جهانی است، تهدیدهای فرهنگی علیه امنیت ملی کشورهاست که هدف آن استحاله فرهنگی برای رام کردن کشورهای مستقل است و به لحاظ اینکه از طریق این تهدید، استقلال کشورها زیر سؤال می‌رود، می‌توان آن را در زمره جدیدترین اشکال تهدید علیه امنیت ملی کشورها قرار داد.

اصولاً قدرت ملی کشورها دارای عناصر مختلفی است که می‌توان آن را به عناصر مادی، از جمله، قدرت نظامی، اقتصادی، توانمندی‌های تکنولوژیک، منابع طبیعی، موقعیت جغرافیایی، جمعیت و سرزمین و غیره اشاره کرد. برخی از عناصر قدرت ملی کشورها، عناصر ذهنی و غیرعینی مانند هویت ملی، روحیه ملی، ایدئولوژی، قدرت رهبری و ویژگی‌ها و ارزش‌های ملی است که امروزه تهدید علیه هر کدام از عناصر مذکور تهدید کننده امنیت ملی به حساب می‌آید. برای از بین بردن و خنثی کردن عناصر ذهنی و غیرمادی قدرت ملی کشورها، معمولاً از ابزارهای خاص خود استفاده می‌شود و تلاش‌هایی که امروزه از سوی امپریالیسم آمریکا برای تسلط فرهنگی و نهایتاً استحاله فرهنگی کشورهای جهان صورت می‌گیرد و گاهی نیز، از آن با عنوان «تهاجم فرهنگی» یاد می‌شود، شکل جدیدی از تهدید علیه امنیت ملی کشورهاست. تهدیدی که به جای شکل، به محتوا و به جای سخت‌افزار با نرم‌افزار و به جای جسم، ذهن و روان یک جامعه را آماج حمله خود قرار می‌دهد. آنچه امروزه کشورهای مستقل و متفاوت بر پایه آن در برابر تسلط و تهدیدات امپریالیسم ایستادگی می‌کنند، ارزش‌ها، آرمان‌ها، هویت

ملی و دینی آنهاست. حال اگر این ارزش‌ها از بین برود، بدون شک کشورهای مستقل از ۱۹۹
پشتوانه‌های ضعیفی برای مقابله با تهدیدات خارجی برخوردار خواهند بود. در اینجا،
نقش عناصر فرهنگی مانند رسانه‌ها و مطبوعات در امنیت ملی بیشتر نمایان می‌شود.
امروزه تأثیرگذاری بر افکار عمومی جهانی می‌تواند در پیروزی یا تأمین امنیت یک
کشور نقش تعیین‌کننده‌تری نسبت به نیروی نظامی داشته باشد. اگر قبلاً گفته می‌شد
هنگامی که سیاست به بن‌بست می‌رسد، جنگ آغاز می‌شود، و بالعکس، هنگامی که
توسل به ابزار نظامی به بن‌بست می‌رسد و کارایی خود را از دست می‌دهد، استفاده
بیشتر از ابزارهای ارتباطی و رسانه‌ها آغاز می‌گردد.

امروزه مطبوعات در بین سایر رسانه‌ها، از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است
و عدم انجام رسالت و کارکرد واقعی از سوی آنان، ممکن است تأثیرات قابل توجهی بر
امنیت ملی کشورها بگذارد، اما نکته ظریفی که درباره رابطه مطبوعات و امنیت ملی باید
بدان اشاره کرد، این است که، شاید برخی از افراد و گروه‌ها به اشتباه، رابطه میان
مطبوعات و امنیت ملی را از دیدگاه سلبی مورد بحث قرار دهند و معتقد باشند که
مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی معمولاً نقش تخریبی بر امنیت ملی دارند، در حالی که
مطبوعات می‌توانند نقش مثبت و ایجابی نیز در این نوع امنیت ایفا کنند. برای بررسی
تأثیر مطبوعات بر امنیت ملی باید این نکته را در نظر داشت، که اصولاً تأثیر مطبوعات
بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را نیز می‌توان در دو بُعد سلبی و ایجابی مورد
بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد؛ منظور از تأثیرات سلبی مطبوعات بر امنیت ملی آن
است که عملکرد مطبوعات شاخصه‌های امنیت ملی را به خطر اندازد و نیز تأثیرات مثبت
و ایجابی آن می‌تواند افزایش ضریب امنیت ملی در اثر عملکرد مطبوعات باشد. میزان
رعایت حدود و مرزهای آزادی، تقویت یا تضعیف وحدت ملی، توجه به انتقاد سازنده یا
تخریب، جلب مشارکت سیاسی یا گسترش بی‌حسی سیاسی، میزان تقید مطبوعات به
حفظ ارزش‌های دینی و ملی، توجه یا عدم توجه به رسالت واقعی مطبوعات و رویکرد
مطبوعات به مقوله‌ی قانون‌گرایی از جمله مقولاتی است که نحوه‌ی مواجهه و تعامل
مطبوعات با آنها می‌تواند بر امنیت ملی کشورها تأثیر ایجابی و یا سلبی داشته باشد.

یکی از متغیرهایی که مطبوعات در مواجهه با آن بر امنیت ملی کشورها تأثیر
می‌گذارند، مقوله‌ی آزادی و به ویژه «آزادی بیان» است. بدون شک آزادی مطبوعات نیز

۲۰۰ به دو شکل ایجابی و یا سلبی بر امنیت ملی تأثیر می‌گذارد. تأثیرات سلبی آزادی مطبوعات بر امنیت ملی را می‌توان به این شکل توضیح داد که اصولاً یکی از عوامل تقویت امنیت ملی ثبات و نبود هرج و مرج در جامعه است و از آنجا که اصولاً ممکن است ظرفیت رعایت مرزهای آزادی در مطبوعات وجود نداشته باشد و مطبوعات در استفاده از آزادی از حدود قانونی و عرفی خود خارج شود و جامعه را به سوی گسیختگی و بی‌ثباتی بکشاند؛ همین مسأله از عمده‌ترین تهدیدها علیه امنیت ملی به شمار می‌رود. چنین عملکردی برای تداوم عملکرد آزاد مطبوعات نیز مضر می‌باشد. برای مثال؛ در سال‌های اولیه قرن بیستم شاه و درباریان ایران از مندرجات تند برخی روزنامه‌ها انتقاد کرده و مدعی شدند که مدیر مسئول این روزنامه‌ها از آزادی مطبوعات سوءاستفاده کرده‌اند و باید محاکمه شوند.^۸ از این مواد در طول تاریخ مطبوعات ایران به وفور یافت می‌شود. مثال دیگر در این زمینه، انتقاد شدید برخی روزنامه‌ها علیه محمدعلی شاه در سال ۱۹۰۵ است. شاه را به قدری عصبانی کرد که شخصاً از وزارت دادگستری تقاضای رسیدگی و محاکمه آنها را نمود و ادعا کرد که این روزنامه‌ها به حریم حیثیت شاه اسائه ادب کرده‌اند. بنابراین از این مقطع به بعد بود که محدودیت‌های شدیدی علیه آزادی مطبوعات در ایران شکل گرفت. از دیگر جنبه‌های تأثیرگذاری سلبی و منفی مطبوعات بر امنیت ملی، عدم توجه مطبوعات به تقویت روحیه ملی و تخریب هویت ملیست. اما آزادی مطبوعات به رغم تأثیرات سلبی و منفی‌اش بر مسأله امنیت ملی، ممکن است به تقویت آن نیز یاری رساند. تأثیرات مثبت آزادی مطبوعات بر امنیت ملی را از وجوه مختلف می‌توان بررسی کرد. به بیانی مختصر می‌توان گفت: «یکی از جنبه‌های تأثیرگذاری ایجابی و مثبت آزادی مطبوعات بر امنیت ملی، این است که مطبوعات آزاد با ایجاد زمینه‌ای، برای بروز و ظهور اندیشه‌های متفاوت و گاه منتقد، زمینه زیر زمینی شدن مخالفت‌ها در مقابل نظام سیاسی را از بین می‌برند و این اصلی ثابت شده است که اگر مانع از بروز خواسته‌ها و اندیشه‌ها به شکل مسالمت‌آمیز شویم هیچ‌گونه تضمینی برای جلوگیری از تبدیل این خواسته‌ها به حرکت افراطی و زیرزمینی - که تهدید بزرگی برای امنیت ملی به شمار می‌رود - وجود ندارد. بنابراین مطبوعات آزاد می‌توانند با ایجاد بستر مناسب برای ارائه نظریات و گرایش‌های مختلف، ضریب ثبات و امنیت جامعه را بالا ببرند. از دیگر جنبه‌های

تأثیرگذاری مثبت آزادی مطبوعات بر امنیت ملی، این است که مطبوعات آزاد می‌توانند ۲۱۱ با بحث‌ها و بررسی‌های عمیق و همه‌جانبه و نیز با انعکاس نظر صاحب‌نظران و متخصصان کشور در سطوح مختلف، زمامداران را در مسائل مهم امنیتی و جهت‌گیری‌های سیاست داخلی و خارجی یاری رسانند، تا براساس شناخت درست و همه‌جانبه و آگاهی از نظر واقعی مردم تصمیم‌گیری نمایند؛ چرا که دوری زمامداران از مردم و بی‌اطلاعی آنان از نظر مردم و محاط شدن توسط عناصری که چه بسا شایستگی علمی و اخلاقی لازم را ندارند، ضمن ایجاد بحران مشروعیت، دولت‌ها را به سوی اتخاذ تصمیم‌های نادرستی رهنمون سازد که برای امنیت ملی کشورها فاجعه‌بار است.^۹ جنبه‌ی دیگر تأثیرگذاری مثبت مطبوعات آزاد بر امنیت ملی این است که امکان این را می‌دهد که احتمال دارد به عاملی برای جلب حمایت عامه افکار عمومی از نظام سیاسی تبدیل شود. امروزه طیفی از عناصر قدرت ملی کشورها را عوامل ذهنی و غیر ملموس مانند، ایدئولوژی روحیه ملی تشکیل می‌دهد و ضریب امنیت ملی کشور هم، معمولاً با توجه به میزان همراهی شهروندان با نظام سیاسی، متفاوت است. بنابراین مطبوعات آزاد می‌توانند با جلب حمایت افکار عمومی آن را در راستای اهداف ملی و حفظ امنیت ملی شکل داده و هدایت کنند. به هر تقدیر به نظر می‌رسد، رابطه آزادی مطبوعات و امنیت ملی، به مثابه دو روی سکه است. یعنی در عین حال که خارج شدن مطبوعات از حدود آزادی می‌تواند با برهم زدن انسجام و ثبات ملی، زمینه‌ساز خطر افتادن امنیت ملی را مهیا کند. در عین حال بنا به دلایلی که ذکر شد می‌تواند تأثیرات مفید و مثبتی بر بالا بردن ضریب امنیت ملی داشته باشد. از دیگر جنبه‌های تأثیرگذاری مطبوعات بر امنیت ملی، تأثیر آن از طریق تحکیم یا تضعیف وفاق و وحدت ملی است. اگر نظام سیاسی یک سیستم در نظر گرفته شود، این سیستم تا زمانی می‌تواند به عمر مؤثر خود ادامه دهد که تمام عناصر و اجزای آن در نوعی تعامل مثبت و وفاق‌آمیز با یکدیگر به سر برند و هر نوع برهم خوردن این هماهنگی به منزله نوعی ناکارکردی در آن سیستم تلقی شده و باعث به خطر افتادن تداوم و بقای آن می‌شود. با این نگرش می‌توان به سادگی به اهمیت و ضرورت وجود وحدت و همگرایی در درون یک نظام سیاسی پی برد. البته نظام‌های سیاسی را نمی‌توان به این صورت به عنوان یک سیستم مکانیکی در نظر گرفت؛ چرا که این‌گونه نظام‌ها معمولاً قادر هستند، تا حدودی

ناکارآمدی‌های درونی را تحمّل کنند. اما موضوع، ضرورت وجود میزان وحدت و همگرایی در درون جامعه است. به این لحاظ که اصولاً در یک جامعه رقابت‌آمیز، معمولاً نیروهای موجود، به جای صرف توان خود برای سازندگی و توسعه و مواجهه با مشکلات عمومی، نیروی خود را خنثی کردن یکدیگر به کار می‌برند و بدین ترتیب، میزان زیادی از توان خود را از این طریق، به هدر می‌دهند. علاوه بر این، امروزه وحدت ملی یکی از عوامل قدرت ملی کشورها در سطح بین‌المللی محسوب می‌گردد و رابطه مستقیمی میان وحدت ملی و قدرت ملی و نیز میان این دو، با مفهوم امنیت ملی وجود دارد؛ به این معنا که با بالا رفتن ضریب وحدت ملی، قدرت ملی افزایش می‌یابد و با افزایش قدرت ملی، ضریب امنیت ملی افزوده می‌گردد؛ حال اگر مطبوعات زمینه وحدت و همگرایی جامعه را ایجاد کنند، دارای کارکردهای مثبت و ایجابی و باعث تداوم امنیت ملی هستند. اما اگر اصل را بر تنازع و مجادله و برهم زدن انسجام ملی بگذارند، یکی از اساسی‌ترین شروط تحکیم امنیت ملی؛ یعنی وحدت ملی را به خطر انداخته‌اند.

برای مثال؛ معمولاً در زمان بروز جنگ‌ها؛ مسأله مطبوعات و رسانه‌ها، برای عینی شدن مقوله‌ی تهدیدات امنیتی، از پرداختن به مطالب چالش‌زا و برهم زننده وفاق ملی، پرهیز می‌کنند و این امر، نشان دهنده این موضوع است، که مطبوعات از طریق تأثیرگذاری بر میزان وحدت ملی؛ بر افزایش یا کاهش قدرت ملی و نهایتاً میزان ضریب امنیت ملی تأثیر می‌گذارند. به عنوان مثال؛ طی سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ کثرت مطبوعات سیاسی و عدم قانونمندی در عرصه فعالیت‌های مطبوعاتی، نوعی هرج و مرج در جامعه مطبوعاتی کشور به وجود آورده بود؛ هیچگونه کنترل و نظارتی بر بیشتر روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های سیاسی وجود نداشت، بنابراین بدیهی است در چنین عرصه‌ای طبیعی بود که ما شاهد تنوع و گوناگونی میان نشریات منتشرشده باشیم؛ از افراطی‌ترین یا سازشکارترین نشریات تا نشریات متین و باوقار و یا برعکس، نشریات هتاک و وقیح در سراسر کشور منتشر می‌شد. و هرگاه مردم انقلابی، نسبت به مطبوعات زرد و مبتذل اعتراض می‌کردند، با انواع برجسبها و تهمتها مواجه می‌شدند و در نهایت نیز، چنین نشریاتی به فعالیت‌های زیرزمینی می‌پرداختند و شبکه‌های توزیع مخفی هم کار توزیع آنها را بر عهده می‌گرفتند؛^۱ بدون شک این عملکرد مطبوعات، ضریب امنیت جامعه را کاهش می‌داد.

از دیگر جنبه‌های تأثیرگذاری مطبوعات بر مسأله امنیت ملی؛ جلب مشارکت و یا برعکس، ایجاد بی‌تفاوتی و بی‌حسی سیاسی در بین شهروندان است. به این معنی که مطبوعات می‌توانند با اطلاع‌رسانی دقیق و به موقع، زمینه مشارکت عامه را در عرصه تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی آماده کنند، و به ایفای نقشی مثبت در تقویت مسئولیت‌پذیری عمومی بپردازند. این نقش مطبوعات در جلب مشارکت مردم، زمانی از اهمیت بالایی برخوردار می‌شود که این واقعیت در نظر گرفته شود؛ اصولاً مشارکت همگانی مردم یکی از مؤلفه‌های تقویت امنیت ملی است؛ چرا که مشارکت در امور سبب تقویت مسئولیت‌پذیری فرد فرد شهروندان شده و همین مسئولیت‌پذیری همگانی، یکی از بهترین پشتوانه‌ها در مواجهه با تهدیدات امنیتی خواهد بود. اما این سکه روی دیگری نیز دارد و آن اینکه؛ ممکن است در اثر عملکرد مطبوعات، نوعی بی‌تفاوتی عمومی نسبت به سرنوشت اجتماعی در بین آحاد یک جامعه به وجود آید و همین بی‌تفاوتی و عدم حضور در صحنه، کشورها را در مواجهه با تهدیدات امنیتی آسیب‌پذیر کند.

اصولاً اطلاع‌رسانی و تبلیغات که دو مسئولیت اساسی مطبوعات است، اگر در درون حیات فرهنگی و براساس نظام ارزشی جامعه حرکت کند، حمایت فطری عمومی را با خود به همراه خواهد داشت و اگر بالعکس بخواهد به ستیز با ارزش‌های جامعه و نظام ارزشی آن بپردازد و یا در صدد فرهنگ‌سازی با معیارهای ضد ارزشی برآید، اولین ضربه را، خود، به خود خواهد زد. در حالی که می‌تواند صدمات زیادی را نیز متوجه جامعه کند. پس برای اینکه این خطر به وجود نیاید، شناخت ارزش‌های فرهنگی و حفظ آنها از اهمیت کلیدی برخوردار است.^{۱۱} بنابراین مطبوعات می‌توانند از طریق حفظ و یا نادیده گرفتن ارزش‌ها و اصول اعتقادی مورد احترام یک جامعه، بر امنیت ملی آن کشور تأثیر بگذارند و در این زمینه هم نقشی مثبت و کارکردی و هم نقش منفی داشته باشند. قبل از هر چیز باید به این نکته اشاره کرد، که امروزه یکی از مؤلفه‌های قدرت ملی کشورها، میزان پای‌بندی آنها به ارزش‌های کهن ملی و اعتقادات دینی و سنتی است و اصولاً حفظ این ارزش‌هاست که شکل روابط کشورها با یکدیگر را معین می‌کند، ارزش‌های ملی به عنوان عناصری مشترک در بین فرد فرد آحاد یک جامعه، یکی از مهمترین عوامل پیوند و همبستگی آن ملت به شمار می‌روند و حفظ همین ارزش‌ها، معمولاً قادر است تا انگیزه محکمی برای بسیج عمومی؛ جهت مقابله با تهدیدات امنیتی

۲۰۴ به حساب آید. به عنوان مثال؛ با وجود ارزش‌هایی چون ایثار، از خودگذشتگی و شهادت در فرهنگ ملت مسلمان ایران در مقاطع مختلف، از جمله مقطع جنگ تحمیلی، سبب گردید که با بسیج عمومی و چشمگیر آحاد و اقشار جامعه، بستر مناسب و تعیین کننده‌ای برای مواجهه با یک تهدید بالفعل امنیتی ایجاد شود. آنچه تک تک آحاد جامعه را در زمان جنگ مشتاق به شرکت در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل کرد، ارزش‌های فرهنگی و اعتقادی بود. حال این ارزش‌های فرهنگی، به عنوان سمبل‌های هویت ملی؛ در مقاطعی ممکن است از طریق ابزارهایی تقویت و یا سست شوند؛ یکی از این ابزارها مطبوعات هستند. مطبوعات با تقویت و تحکیم این ارزش‌های ملی و سنتی که شکل‌دهنده هویت ملی هستند، نه تنها می‌توانند زمینه همگرایی، انسجام و حضور عمومی و همگانی آحاد جامعه را در مواجهه با تهدیدات امنیتی تقویت کنند، بلکه قادر به ارائه نقشی منفی و سلبی در این زمینه نیز هستند.

بخش عمده‌ی تأثیر مطبوعات بر امنیت ملی، در آشکار بودن یا عدم صراحت رسالت آن نهفته است. بدین معنی که اگر مطبوعات حوزه کاری خود را اطلاع رسانی دقیق، تنویر افکار عمومی و کمک به گردش سالم و آزاد اطلاعات قرار دهند، توانسته‌اند تا حدودی به رسالت واقعی خویش عمل کنند، اما نکته‌ای که متأسفانه در تاریخ مطبوعات کشورمان شاهد آن هستیم، این است که به لحاظ عدم شکل‌گیری احزاب شناسنامه‌دار و نیز عدم فعالیت آنها در عرصه‌های رقابت سیاسی، مطبوعات این خلاء را پرکرده و به جای پرداختن به مسأله اطلاع‌رسانی، توزیع خبر و توسعه فرهنگی، به ابزاری برای قدرت‌طلبی افراد، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی تبدیل شده‌اند و در واقع مطبوعات محلی شده‌اند که تنازعات سیاسی از طریق آنها جریان پیدا می‌کند و با توجه به اینکه در معرض دید و مطالعه مردم قرار دارند، بحران و رقابت بین جریان‌های سیاسی را به داخل جامعه می‌کشانند و از حالت عادی خود خارج می‌کنند و همین موضوع می‌تواند، تأثیرات سلبی و منفی خاصی بر ثبات و امنیت ملی در بعد داخلی داشته باشد. به عنوان مثال؛ با نگاهی به تاریخ مطبوعات ایران، می‌توان مشاهده کرد، پس از سقوط رضاخان در شهریور ۱۳۲۰ مانند زمان مشروطه یا بعد از سقوط محمدعلی شاه، یک انفجار در آزادی مطبوعات ایجاد شد. به گونه‌ای که پس از بیست سال اختناق، امکان انتشار مجدد روزنامه‌ها پدید آمد. اما از آنجا که به علت محدودیت‌های طولانی گذشته، فرهنگ

روزنامه‌نگاری در کشور به وجود نیامده بود بسیاری از روزنامه‌نگاران آن دوره، ۲۰۵ روزنامه‌ها را وسیله‌ای برای اخاذی و تسویه حساب‌های شخصی و سیاسی قرار داده بودند. بعضی سعی کردند برای اینکه از دولت‌های وقت، امتیازهای اقتصادی و پروانه خرید و فروش بگیرند، از روزنامه‌ها بهره‌برداری غیراصولی به عمل آورند و این موضوع تجربه بسیار تلخی بود. در آن دوران دوازده ساله، تا جایی که مشاهدات عینی روز و یادداشت‌ها و فهرست‌های گردآوری شده نشان می‌دهد، بیش از هشتاد حزب و گروه و جمعیت در ایران تشکیل شد که هر یک از آنها، چند روزنامه به عنوان ارگان در اختیار داشتند و مندرجات آن نشریه‌ها، بهترین معرف آشفستگی سیاسی و درهم بودن اوضاع به شمار می‌رفت.^{۱۲}

نمونه‌ی دیگر، آمیختگی کار روزنامه‌نگاری با رسیدن به قدرت و بازی سیاسی، ترقی سید ضیاءالدین طباطبایی از یک روزنامه نویسی گمنام به نویسنده سیاسی معروف و سرانجام نخست‌وزیری که معرف اوضاع روزنامه‌نگاری سیاسی و ارتباطات اجتماعی، در دوران مشروطیت در ایران است. در حقیقت می‌توان گفت: «روزنامه‌نگاری در این سالها مهمترین و بهترین وسیله سیاسی به شمار می‌رفت. از وسایل ارتباط اجتماعی و سیاسی این دوره یعنی احزاب سیاسی، مجلس شورای اسلامی و مطبوعات، روزنامه‌نگاری مشخص‌ترین و معروف‌ترین وسیله تحصیل و نفوذ و قدرت سیاسی در ایران بود و به تعبیری دیگر مطبوعات در دوره مشروطیت، مطبوعات سیاسی و مسلکی هستند و در این نوع مطبوعات، روزنامه‌نگار؛ نقش مجاهد را دارد و صفحات روزنامه محل و منبع هدف‌های اجتماعی و سیاسی است و انتخاب مطالب و اخبار رابطه مستقیمی با هدف مبارزه دارد.»

یکی از خصایص ارتباطات اجتماعی در ایران در دوره مشروطیت این است که؛ به سختی می‌توان مرزی میان فعالان انقلابی سیاسی و مطبوعاتی قائل شد و اقدامات آنها را از یکدیگر تفکیک کرد، زیرا در این سالها تفاوت ملموسی میان روزنامه‌نگار، شاعر، نویسنده، واعظ و سیاستمدار وجود ندارد.^{۱۳}

با توجه به مواردی که ذکر شد می‌توان به این نتیجه رسید که اگر مطبوعات به رسالت واقعی خویش یعنی اطلاع‌رسانی دقیق، تنویر افکار عمومی، کمک به توسعه فرهنگی و بازتاب اندیشه‌های پایه‌ای بپردازند، نه تنها تأثیر منفی‌ای بر جریان امنیت

۲۰۶ ملی نخواهند داشت، بلکه می‌توانند از طریق ایجاد زمینه‌های گفت‌وگوی سازنده و طرح منطقی و مستدل مباحث؛ به ضریب آرامش، ثبات و امنیت ملی کشور کمک کنند. با این رویکرد می‌توان چنین استدلالی کرد که طرز تلقی از جایگاه مطبوعات، می‌تواند بر میزان امنیت ملی تأثیر مثبت و یا منفی بگذارد و در صورتی مطبوعات بر مسأله امنیت ملی تأثیر مثبت و مفید خواهند گذاشت که به عنوان یکی از ساختارهای «جامعه مدنی»^{۱۴} عمل کنند. به این معنا؛ مطبوعات باید جایگاه واقعی خویش را به عنوان حلقه واسط و رابط میان مردم و توده‌ها از یک طرف، و حاکمان و نخبگان سیاسی از سویی دیگر در نظر بگیرند و به ارائه کارکرد در این جایگاه بپردازند. در چنین شرایطی مطبوعات از یک طرف به تجمیع و انتقال خواسته‌های مردم به دولتمردان می‌پردازند و از سوی دیگر محدودیت‌ها، خواسته‌ها، امکانات و برنامه‌های دولت را نیز به مردم انتقال می‌دهند.

اگر مطبوعات از این جایگاه میانی خود خارج شوند و به درون هر یک از حوزه‌ها یعنی؛ حوزه عمومی و مردم و حوزه دولتی جای گیرند، در حقیقت از جایگاه واقعی خود خارج شده و دچار ناکارکردی شده است. طی سال‌های ۵۶-۱۳۳۲، یکی از عمده‌ترین ویژگی‌های مطبوعات ایران، پرداختن به موضوع‌هایی است که اهمیت چندانی در زندگی اجتماعی مردم نداشت، مسائلی که به هیچ وجه پاسخگویی نیازهای واقعی جامعه نبود، بلکه طرح آن مطبوعات را از پرداختن به نیازها و مسائل طراز اول اجتماعی دور کرده و عملکرد آنها را کاملاً برخلاف مصالح عمومی جامعه و به سود خودکامگان درباری و امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا سوق می‌داد.^{۱۵}

بنابراین مطبوعات نه قادر هستند کاملاً با توده‌ها عجین شوند و به شکلی عامه پسندانه و بدون در نظر گرفتن نظرات دولتمردان به ارائه نقش بپردازند و نه مناسب است به عنوان تریبون دولتی و یک طرفه عمل نمایند. یعنی؛ مطبوعات از یک طرف نماینده مصالح مردم و منعکس کننده خواسته‌ها و نیازهای آنان هستند و از سوی دیگر با در نظر گرفتن مصالح کلی، و در چارچوب‌های نظام و دولت و نیز انتقال درست عملکرد دولتمردان به توده‌های مردم، به ایفای وظیفه می‌پردازند. اگر مطبوعات در این ساختار میانی به عملکرد خویش ادامه دهند؛ در واقع به امنیت و ثبات ملی کمک کرده‌اند و به محض نزدیکی به یکی از این دو طیف و دوری از طیف مقابل، دارای تأثیری سلبی و

منفی بر امنیت ملی خواهند بود. بنابراین، یکی از دلایل اساسی تشدید مخاصمه و ۲۰۷ درگیری از طریق مطبوعات، انحراف در کارکرد واقعی آنهاست؛ یعنی مطبوعات به جای احزاب سیاسی ایفای نقش کنند و با عملکرد افراطی و رقابت‌آمیز در عرصه رسیدن به قدرت، آرامش جامعه را برهم زده و ضریب امنیت ملی را نیز کاهش دهند.

یکی دیگر از شاخص‌های امنیت ملی کشورها، میزان و ضریب پای‌بندی اعضای آن بر هنجارهای قانونی و حقوق موضوعه است. قوانین با لگام زدن بر اسب سرکش آزادی مطبوعات، مانع از انحراف و خارج شدن آن از چارچوب‌های شناخته شده جوامع می‌شوند. اگر قانون بر عملکردها و فعالیت‌های جامعه حاکم نباشد، نه تنها امور اجتماع بر روی مدار طبیعی نمی‌چرخد؛ بلکه تار و پود جامعه از هم می‌باشد و با ایجاد نوعی هرج و مرج، زمینه فروپاشی اجتماعی و به هم خوردن امنیت ملی ایجاد می‌شود.

مطبوعات در نوع مواجهه خود با مسأله قانون‌گرایی می‌توانند بر امنیت ملی، تأثیر سلبی و یا ایجابی بگذارند. بدین معنی که اگر در عملکردها، نوشته‌ها و مطالب خود قانون‌گرایی را محور کار قرار ندهند؛ ضمن کمک به وضعیت هرج و مرج و از هم گسیختگی، به کاهش ضریب امنیت ملی نیز کمک کرده‌اند. اما در صورتی که مطبوعات در عملکرد خویش قانون‌گرایی را ملاک قرار دهند ترغیب و تشویق دیگران به ارائه عملکرد در چارچوب قانون اقدام کنند، دارای نقش ایجابی و تقویت‌کننده در باب مسأله امنیت ملی خواهند بود. بنابراین مطبوعات کارآمد، ضمن رعایت قوانین، فرهنگ قانون‌گرایی و قانون‌پذیری و احترام به قانون را بین توده‌های مردم گسترش می‌دهند و در مواقع ضروری، حکومت‌کنندگان را در برابر نقض احتمالی قوانین، مورد سؤال و مؤاخذه قرار می‌دهند. اعمال این حق و وظیفه بزرگ از سوی مطبوعات، می‌تواند مانع از قانون شکنی‌ها و کج‌روی‌های احتمالی گردد و به ضریب ثبات و امنیت ملی کشور کمک قابل توجهی نماید.

نتیجه‌گیری

امروزه دیگر نمی‌توان تهدیدات مربوط به امنیت ملی را در چارچوب تهدیدات سخت‌افزارانه و عینی از قبیل؛ تهدیدات نظامی و اقتصادی محدود کرد. چرا که در جهان امروز در کنار تهدیدات سخت‌افزارانه‌ای که ممکن است امنیت ملی کشورها را با مشکل

۲۰۸ مواجه کند، برخی تهدیدات نرم‌افزارانه و ذهنی که اغلب با ابزارهای فرهنگی مطرح می‌شوند؛ ممکن است ضریب امنیت ملی کشورها را با چالش مواجه سازند و نظام جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست.

امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک متغیر وابسته، از عوامل و متغیرهای مستقل گوناگونی تأثیر می‌پذیرد و عملکرد مطبوعات نیز می‌تواند در چارچوب این متغیرهای مستقل قرار گیرد. اما آنچه از اهمیت شایان ذکری برخوردار است، مکانیسم اثرگذاری مطبوعات بر امنیت ملی است. به نظر می‌رسد بتوان با دخیل کردن برخی متغیرهای دیگر که از آنها تحت عنوان متغیرهای واسطه‌ای یاد می‌شود بتوان نحوه‌ی اثرگذاری مطبوعات بر امنیت ملی در نظام جمهوری اسلامی ایران را ارزیابی کرد. با ذکر این واقعیت که این عوامل و متغیرهای واسطه‌ای خود با توجه به شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی متفاوت و متغیرند، می‌توان به متغیرهایی چون؛ آزادی، ارزش‌های بومی، مشارکت سیاسی، قانون‌گرایی و جایگاه و رسالت مطبوعات اشاره کرد. بدین معنی که؛ رعایت حدود و مرزهای آزادی به جای هرج و مرج و ولنگاری تقید به ارزش‌ها و باورهای دینی و ملی در مقابل نادیده گرفتن آنها، تقویت قانون‌گرایی به جای ترویج قانون‌گریزی، جلب مشارکت سیاسی - اجتماعی شهروندان به جای تقویت بی‌حسی و مسئولیت‌گریزی سیاسی و اجتماعی و در نهایت عملکرد مطبوعات، به عنوان یک نهاد واسطه جامعه مدنی به جای قرار گرفتن در مسیر کسب قدرت، که رعایت این نکات سبب تأثیرات ایجابی مطبوعات بر ضریب امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، می‌گردد و در صورت معکوس بودن این رابطه با نتیجه پیدایش آثار سلبی، در این خصوص است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. غلامرضا خسروی حسینی، الایمان هوالتصدیق الذی معه الأمن، راغب اصفهانی: «المفردات فی غریب القرآن»، تهران: انتشارات بی‌تا، ص ۲۶.
۲. سوره‌ی نحل، آیه ی ۱۱۲. و خداوند مثالی می‌زند، آبادی که دارای امنیت و آرامش بود.
۳. جلیل روشندل، امنیت ملی و تدام بین‌المللی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۴، ص ۱۱.
۴. جلیل روشندل، همان، ص ۱۲.
۵. رابرت ماندل، چهره متغیر امنیت ملی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷، ص ص

۶. علی اصغر کاظمی، روابط بین‌الملل در تئوری و عمل، تهران: نشر قومس، ۱۳۷۲، ص ۱۱۷ و ۱۱۸.
۷. علی اصغر جمراسی فراهانی، بررسی مفاهیم نظری امنیت ملی، تهران: نشر مرکز آموزش مدیریت دولتی، سال ۱۳۷۴، ص ۳.
۸. حمید مولانا، سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، تهران: انتشارات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، سال ۱۹۵۸، ص ۱۴۶.
۹. جلیل روشندل، پیشین، ص ۱۸۷.
۱۰. امیرعلی مسعودی، «استقلال حرفه‌ای روزنامه نگاری از رویا تا واقعیت»، مجموعه مقالات دومین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران، تهران: خرداد ۱۳۷۷، ص ۴۵۹.
۱۱. مصطفی حق‌دوست، «روزنامه‌نگاری: اخلاق و ارزش‌ها»، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران، خرداد ۱۳۷۷، ص ۶۶۳ و ۶۶۴.
۱۲. مهدی بهشتی‌پور، «مطبوعات ایران در دوره پهلوی»، بخش اول، مجله رسانه، سال چهارم، تابستان ۱۳۷۲، ص ۴۲ و ۴۳.
۱۳. حمید مولانا، پیشین، ص ۱۲۶.

14. Society

۱۵. مهدی بهشتی‌پور، پیشین، زمستان ۱۳۷۲، ص ۷۲.

کتابنامه:

۱. ماندل، رابرت. چهره‌ی متغیر امنیت ملی، (تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۷).
۲. روشندل، جلیل. امنیت ملی و نظام بین‌الملل، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۴).
۳. جمراسی فراهانی. بررسی مفاهیم نظری امنیت ملی، (تهران: نشر مرکز آموزش مدیریت دولتی، سال ۱۳۷۴).
۴. کاظمی، علی‌اصغر. روابط بین‌الملل در تئوری و عمل، (تهران: توس، ۱۳۷۲).
۵. مولانا حمید. سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، (تهران: انتشارات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، ۱۹۵۷).
۶. مسعودی، امیدعلی. «استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاری از رویا تا واقعیت»، مجموعه مقالات دومین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران، تهران، خرداد ۱۳۷۷.
۷. حق‌دوست، مصطفی. «روزنامه‌نگاری اخلاق و ارزش‌ها»، مجموعه مقالات دومین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران، خرداد ۱۳۷۷.
۸. بهشتی‌پور، مهدی. «مطبوعات ایران در دوره پهلوی»، مجله رسانه، سال چهارم، تابستان ۱۳۷۲.
۹. بهشتی‌پور، مهدی. «مطبوعات ایران در دوره پهلوی دوم»، مجله رسانه، سال چهارم، زمستان ۱۳۷۲.